«حجاب» کابوس تمدن لائیک ها

<"xml encoding="UTF-8?>

حجاب اسلامی، حافظ گوهر زن

دین اسلام، دین جامع و کاملی است که تنها در پاره ای از آداب و مناسک خلاصه نمی شود بلکه برای همة ابعاد فردی و اجتماعی انسان، دستورات و احکام متعالی و دقیقی دارد. از دیدگاه اسلام حجاب زن رمز گرامی داشت گوهر وجودی اوست بدین ترتیب که زن مسلمان با حفظ حجاب و پوشش مناسب، ضمن پاسداشت گوهر و شرافت انسانی خویش، مرز و محدودة خودی و غیرخودی را تعیین می کند، و جمال و زینت های خدادادی خود را دست مایة هر لذت جویی قرار نمی دهد و البته در عین حال به انجام مسئولیت های اجتماعی خود نیز می پردازد.

حجاب، نشانه ای مذهبی!

اما چرا حجاب زن مسلمان که تنها نشان هویت دینی اوست تا این حد مایة وحشت دنیای غرب شده است؟ و چرا مسئولین برخی کشورهای اروپایی در برابر اسلام و مسائل اعتقادی آن موضع گیری تندی اتخاذ کرده اند؟

طرح ممنوعیت حجاب، برای نخستین بار در سال 2004 در کشور فرانسه مطرح شد. به موجب این قانون؛ یعنی قانون «ممنوعیت استفاده از نشانه های مذهبی در مدارس فرانسه»، استفاده از حجاب اسلامی در مدارس فرانسه، رسماً غیر قانونی شد؛ اگر چه تا قبل از آن هم به سختی به دانش آموزان محجبه اجازة ورود می دادند.

با تصویب این قانون، طرح ممنوعیت حجاب برای زنان مسلمان، به سرعت در سطح جهان گسترش یافت: بلژیک، ایتالیا، انگلستان، لهستان، پرتقال و... هم به فرانسه پیوستند؛ حتی این وضعیت ناگوار به برخی از کشورهای اسلامی غرب زده هم سرایت کرد. ترکیه، کشوری با اکثریت مسلمان بود که ورود زنان محجبه را به مدارس رسمی، دانشگاه ها و حتی پارلمان این کشور ممنوع اعلام کرد و تنها دلیل مسئولان این کشور آن بود که، حجاب پدیده ای وارداتی و طائفه ای است که ربطی به اسلام ندارد!!

اجبار به حجاب زدایی

اینک، طرح ممنوعیت حجاب در کشورهای مختلف دنیا و با بهانه ها و اشکال متفاوت، در حال اجراست! حکومت های غربی و کشورهای داعیه دار آزادی و حقوق بشر، با تصویب قوانین و مقررات منع حجاب، زنان مسلمان محجبه را تحت فشار قرار داده و از حداقل حقوق شهروندی هم چون حق آموزش، اشتغال، دفاع و احقاق حق در دادگاه ها و حق استفاده از امکانات عمومی شهری نظیر وسایل حمل ونقل عمومی، درمانگاه ها، پارک ها، کتابخانه ها و... محروم می کنند؛ به طوری که زن مسلمان مجبور شود یکی از دو رویکرد «پایبندی به اعتقادات و ارزش های اسلامی خود» و یا «حضور به شکل بی حجاب در جامعه و انجام فعالیت های اجتماعی» را انتخاب کند!

حجاب یا اسلام؟

بدیهی است که این همه فشار علیه حجاب اسلامی ، تنها تهاجم به یک حکم یا یک نماد اسلامی و یا حمله به یک فرد مسلمان نیست؛ بلکه نشان هراس از فرهنگ اسلامی است که در نمادی به عنوان حجاب، خود را نشان داده است.

بنابراین، اسلام ستیزی و اسلام هراسی و مظاهر آن؛ یعنی مقابله با حجاب اسلامی، ریشه در مخالفت با اسلام و فرهنگ اسلامی دارد و به نظر می رسد که هر روز در حال گسترش است.

روزی نیست که تبلیغ یا فیلمی علیه مسلمانان ساخته نشود و آنان را افرادی خطرناک جلوه ندهد. پیوند دادن تروریزم و اسلام نیز از دیگر حربه های امپراتوری رسانه های غربی و دولت های صهیونیست آن ها برای مقابله با گرایش به اسلام است.

مسلمانان، عامل بحران هویت!

به نظر می رسد تلاش کشور های اروپایی برای از بین بردن مظاهر اسلامی؛ به خصوص حجاب در این کشورها، و هزینة بودجه های کلان مملکتی، برای نیل به اهدافی صورت می گیرد که یکی از مهم ترین آن ها حل بحران هویت در اروپاست. بخش اروپایی مجله پرتیراژ «تایم» در مقاله ای با عنوان «زندگی در خط مقدم جبهه» از بحران هویت در اروپا و افزایش تأثیر مسلمانان بر هویت اروپاییان بحث نموده است. به نظر نویسندة این مقاله، بحران هویت اروپاییان از مهاجرت مسلمانان ناشی شده و در نتیجه الگوی جامعة چند فرهنگی اروپا، دچار گسست شده است.

افزایش احزاب ضد مهاجرت در بلژیک، آلمان، هلند و بریتانیا نشان از نگرانی هویت اروپاییان به خاطر مهاجرت مسلمانان است؛ مهاجرانی که حاضر نیستند فرهنگ و سنن خود را کنار بگذارند و با اروپائیان «هم رنگ» شوند .

در قسمتی از این مقاله آمده است: «اکثر مهاجران هم رنگ نمی شوند. آن ها شیوة زندگی خود را پی گیری می کنند. آنان باید مانند ما رفتار کنند؛ دین باید از سیاست جدا باشد. در اروپا جوی های خون راه افتاده است تا جدایی دین از سیاست تضمین شود.»

بنابراین متوجه می شویم که حجاب در اروپا، سهمی در مسألة بحران هویت دارد؛ در غیر این صورت، از نظر حقوقی، با وجود حق شناخته شدة آزادی دینی، نمی توان پوشش تعدادی از دانش آموزان و دانشجویان را در مدارس و دانشگاه های دولتی نشان مذهبی قلمداد نمود که نفی کنندة اصل جدایی دین از سیاست باشد.

مسلمان هراسی و پدیدة نومسلمانان

دربارة این مسأله می توان به «معمای سیاسی یا حقوقی در اروپا» نیز اشاره داشت. اروپا و غرب در ترکیب جمعیتی خود با مسلمانانی مواجه هستند که نه نسل مهاجر بلکه نسل جدید را شکل می دهند؛ کودکان مسلمان در مدارس و زنان در جامعه حضور دارند. آن ها خواستار به رسمیت شناختن رفتارهای مذهبی خود هستند. برخی نویسنده های اروپایی تصور می کنند که اقلیت های مسلمان در اروپا، گروه های نامتجانس و

تهدیدکننده هستند. تهدیدکنندگی آن ها در یک کشور با کشور دیگر متفاوت است. رسانه های دیداری شنیداری نیز گاه به این بیگانه ستیزی دامن می زنند و تلویحاً جوانان مسلمان را خشونت طلب و خطرناک معرفی می کنند.

تأثیر حادثة یازده سپتامبر

گویا برخی از کشور های اروپایی، تحت تأثیر حادثة یازده سپتامبر با توهم «حجاب فوبیا»، گرفتار حجاب هراسی شده اند. این هراس نیز در ادامة جریان سیاسی مذهبی «اسلام فوبیا» است که بذر آن در تئوری برخورد تمدن ها ریخته شده است و حادثة یازده سپتامبر در آغاز هزارة سوم میلادی، به افزایش آن کمک زیادی کرده است .

با وجود محدودیت هایی که در حفظ و حمایت از حقوق اقلیت های دینی وجود دارد، نظام بین المللی حقوق بشر از آنان حمایت به عمل می آورد . ممنوع دانستن حجاب، نقض حقوق اولی انسانی افراد و آزادی دینی آنان است. ممنوعیت استفاده از پوشش اسلامی بیش از آنکه بر مبانی حقوقی استوار باشد، ریشه در فشارهای سیاسی و اجتماعی دارد که از توهم بحران هویت در اروپا ناشی می شود.

حجاب و معنویت

نکته دیگری که اشاره به آن خالی از فایده نیست مسألة بحران معنا و خلا معنویت در غرب است؛ همان چیزی که باعث شده تا نسخه های قلابی عرفان های پست مدرن و روش های موفقیت در غرب تجویز شوند. در این میان، حجاب زن مسلمان عاملی موثر برای جلوگیری از انحطاط اجتماع و فرد و همچنین نزدیک شدن او به معنویت و خداست. این نوع پوشش که اینک به اسلام و مسلمانان اختصاص دارد، تجربه ای معنوی را در اختیار فرد قرار داده و نوعی حفاظت از شخصیت و گوهر زن را به ارمغان آورده است که باعث شده یکی از دلایل گرایش دختران و زنان اروپایی به اسلام باشد.

چه بسیارند کسانی که با چشیدن طعم حجاب، طعم بندگی و آزادگی را نیز چشیده اند و اینک حاضر نیستند به هیچ وجه از اسلام روی گردانده و آن را به عنوان تجربه ای موقتی و حالی خوش و گذرا بنگرند.

ریشة این مسأله را باید در تعالیم انسان ساز و جامعه پرداز دین اسلام دید.